روایت زندگی ترکمن‌ها در دوران رضاخان

کتاب «ماتی‌خان» نوشته عبدالرحمن اونق، داستانی تاریخی است که به داستان اسکان اجباری ترکمن‌ها در نزدیکی رود اترک می‌پردازد. این کتاب روایتی از فرهنگ و آداب و رسوم ترکمن‌هاست که در قالب داستانی جذاب و با بیانی شیوا بیان شده است. این اثر در جشنواره هنر انقلاب تقدیر شد و در جایزه ادبی شهید اندرزگو به‌عنوان اثر برگزیده در بخش رمان و داستان اتخاب شد.

این رمان که با تعلیقی بسیار زیبا شروع می‌شود، در ادامه در روایت‌ها و دیالوگ‌ها به سال‌های دور برمی‌گردد و این رفت‌وآمدهای زیبا در گذشته و حال به جذابیت داستان افزوده است. این رمان حکایتی واقعی از مردمان نجیب و آزاده‌ای است که با دخالت‌های مأموران حکومت پهلوی از اصل خود دور می‌شوند و همین موضوع آنها را به وحشت می‌اندازد. برخی از سران قبایل به‌دنبال مقابله با این اسکان اجباری هستند اما درنهایت «ماتی‌خان» که شخصیت اصلی داستان و ریش‌سفید قبیله است با تدابیری که دارد از وقوع درگیری و خونریزی جلوگیری می‌کند و با منطق و گفت‌وگو به مقابله با نمایندگان حکومت مرکزی می‌پردازد.

رضا شاه در طول سلطنت خود اقدامات بسیاری درباره از بین بردن قدرت اقوام مختلف ایران صورت داد که سرکوب و اسکان قبایل ترکمن یکی از بی‌رحمانه‌ترین آنها بود. او برای موفقیت در طرحی که داشت سنگدل‌ترین نیروهای خود را مأمور می‌کرد. کار به جایی رسید که مردم ترکمن حتی برای رفت و آمد نیز باید از مأموران رضاشاه اجازه می‌گرفتند.

تا به امروز داستان‌های اندکی درباره این اتفاق تاریخی و مهم نوشته شده است و به همین روی می‌توان رمان «ماتی‌خان» را یک اثر استثنایی در ادبیات داستانی ایران دانست. عبدالرحمن اونق این موضوع را محور اصلی کتاب خود قرار داده است و شما را با خود به سال‌های نخست حکومت رضاخان پهلوی می‌برد.

کتاب ماتی‌خان زمانی شروع می‌شود که به ریش‌سفیدان ترکمن خبر می‌دهند حکومت قصد دارد در تمامی قبیله‌های مرزنشین مرزبانی بسازد. ماتی‌خان به‌عنوان یکی از بزرگان قبایل این موضوع را به مردم خود می‌گوید. ترکمن‌ها تا آن روز چیزهای جالبی از مأموران حکومتی نشنیده بودند برای همین دچار وحشت می‌شوند.



در این اثر با مجموعه‌ای از اسم‌ها و آداب و رسوم ترکمن‌ها و شیوه زندگی آنها در دوران قبل از انقلاب آشنا می‌شویم که نشان از تسلط نویسنده به این اقلیم فرهنگی است. شرحی از جدایی‌ها و فراق‌ها و گم‌شدن‌های اجباری که خواننده را به‌شدت متاثر می‌کند؛ فراق‌هایی که بیشترشان هیچ‌گاه به وصال نمی‌انجامد اما داستان‌های شیرینی از رسیدن‌ها هم روایت می‌شود، درست مثل آنجایی که ماتی‌خان بعد از سال‌ها پسرش را در آغوش می‌گیرد و اشک شوق می‌ریزد.

چهارستاره گودریدزی

محمدصادق علیزاده: رضانام تا رضاخان از چهارستاره‌های گودریدز است. گودریدز هم شبکه‌اجتماعی کتابخوانان است نه‌تنها در ایران که در کل جهان. از چه جهت مهم است؟ از این جهت که عمده کاربران این شبکه‌اجتماعی از کتابخواران و کرم کتاب‌های حرفه‌ای هستند که معمولا(التفات دارید که از لفظ معمولا استفاده کردیم!) از جو و هیجانات دیگر شبکه‌های‌اجتماعی قدری دور هستند. حالا نه این‌که خیلی شکاف فاحشی باشد اما خب این اختلاف را نمی‌شود نادیده گرفت. اینها را گفتیم که بگوییم یک کتاب تخصصی تاریخی در حوزه تاریخ معاصر در شبکه گودریدز با کسب چهارستاره از پنج‌ستاره جزو امتیازهای بالای شبکه است.

اگر مانند بچه‌های قفسه بخشی از شب و روزتان توی گودریدز گذشته باشد اجمالا در جریان هستید که اگر یک کتاب موفق به دروکردن چهارستاره شود امری معمولی نیست. حالا خیلی تنور را داغ نکنیم ولی اگر کتابی موفق به کسب ۳/۵امتیاز شود یعنی امر خیلی شاقی اتفاق افتاده! حالا بعد از این همه بازارگرمی «رضانام تا رضاخان» چه می‌گوید؟ هدایتا... بهبودی در این کتاب لباس غواصی تن کرده و یک شیرجه عمیق زده در تاریخ‌معاصر و رفته دنبال آن بخش از زندگی رضاخان میرپنج که کمتر کسی به گوشش خورده و رفته تاریخ را شخم‌زده و از ابتدای زندگی رضاخان زمانی که نوزاد بوده و در سرمای سوادکوه مازندران تا جان به جان‌آفرین تسلیم‌کردن پیش‌رفته اما سرنوشت این بوده که زنده بماند و روزگاری را برای مردم ایران رقم بزند که خودتان بهتر از ما می‌دانید. از نوزادی تا زمانی که یک افسر جزء خشن در قزاقخانه روس‌ها بوده و بعدش هم به جان آزادیخواهان ایرانی افتاده و به دنبال گرفتن حال امثال میرزا کوچک‌خان تا زمانی که درجا یک تغییر فاز کمرشکن انجام داده و به انگلیسی‌ها نزدیک شده و کودتای انگلیسی۱۲۹۹ را رقم زده همه در این کتاب ذکر شده است.



نکته مهم‌تر آن‌که هدایتا...خان بهبودی در این کتاب صرفا مواد تاریخی سخت را کنار هم نگذاشته بلکه خودش هم آستین بالازده و از مرحله سفت‌کاری عبور کرده و یک اثر با نازک‌کاری‌ها و زیبا و خوشخوان تالیف‌کرده که حالا بتواند عنوان برگزیده بخش تاریخ جایزه شهید اندرزگو را از آن خود کند. حالا اگر شما هم طالب نوشیدن یک جرعه هلو از تاریخ هستید بفرمایید «رضانام تا رضاخان»!

سیر و سلوک انقلابی

پونه فضائلی: وقتی نویسنده‌ای بخواهد سراغ روایت بزرگ‌ترین اتفاق قرن گذشته کشورش برود، بهترین گزینه برای بستر وقایع داستانش، شهری است که خود را به آن متعلق می‌داند و دوستش دارد. علی‌اصغر عزتی پاک، اهل همدان است و در رمان تشریف ما را سه شبانه‌روز در کوچه و خیابان‌های این شهر، با شهریار همراه می‌کند. گره اصلی داستان همان اول باز می‌شود. از همان جایی که شهریار در شب عروسی‌اش متوجه می‌شود عروس با عوامل ساواک همکاری داشته‌است؛ ما همراه با او خیابان‌ها و کوچه‌های همدان را دربه‌در یافتن کسی می‌شویم. مصطفی، مرادی گم‌شده‌است که مرید عذرخواهش سرگردان در میان برف و بوران به دنبال او و طلب بخشش و حلالیت از اوست. از سوی دیگر تشریف، داستان سیر و سلوک خود مصطفی نیز هست، سلوکی که گرچه جزئیاتش بر ما پوشیده می‌ماند اما مسیر پیموده شده را به حد کفایت روشن نشان‌مان می‌دهد.

داستان به خوبی گریزهایی به حوادث گذشته و پیوندشان با اکنون دارد. از واقعه ۱۶ آذر به حضور آمریکایی‌ها در ایران می‌رسد و بدون این‌که دچار آفت شعارزدگی شود، به خوبی خواننده را در جریان فضای شهر در آستانه انقلاب قرار می‌دهد. دایره لغات وسیع نویسنده و اشرافش بر جزئیات فضای داستانی که می‌خواهد تعریف کند و توصیف صحنه‌ها بدون اطناب، اغلب چنان قدرتمند است که خواننده با ترس‌ها و تردیدهای شهریار همراه شده و در سرمای استخوان‌سوز همدان در کوچه‌ها و بیابان‌ها یخ می‌زند.

تشریف رمانی خواندنی است نه فقط به دلیل روایت باورپذیرش از روزهای ملتهب پاییز و زمستان ۵۷، بلکه به دلیل داستانی که از نظر فرم و تکنیک درخور توجه است. پیرنگ اصلی و خرده پیرنگ‌ها به خوبی در هم تنیده و داستانک‌های جذاب، آن را از شکل روایتی تخت بیرون آورده‌است. به‌علاوه این که با خواندن این کتاب به خوبی با شهر همدان در ۴۰سال پیش، خیابان‌ها و کوچه‌ها، گویش محلی و اصطلاحات و برخی سنت‌ها آشنا می‌شویم.

کتاب در ۱۷بخش تدوین شده‌است. روایت انقلاب و پیوند دادن آن با قرائت‌های آخرالزمانی و ظهور منجی، گرچه تقریبا از همان ابتدا مشهود است اما از بخش پانزدهم بر آن تصریح می‌شود. تصویری که خصوصا در دو بخش آخر می‌بینیم گرچه ممکن است ریشه در واقعیت داشته باشد، بیشتر شعاری و کمتر باورپذیر به‌نظر می‌رسد. توصیف اسب‌ها و خیمه و خنجر و... یکباره ذهن خواننده را از انقلاب ۵۷ به فضای مجموعه سربداران پرتاب می‌کند! و این از یکدستی روایت کاسته‌است. گویا احوالات این جماعتی که چندان نسبت‌شان با تفکرات انقلابی مشخص نیست، به کلیت داستان وصله شده‌است. گرچه این نوع نگاه هم چیزی از ارزش کتاب کم نمی‌کند.



